

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیستِ روز هفتم لائودیکه‌ای - شماره سی و چهار

Jeff Pippenger

2026-01-27

شماره سی و چهار

برای آن که صدایی در بیابان باشد، باید بیابانی وجود داشته باشد. در ژوئیه ۲۰۲۳، صدایی برخاست که اعلام می‌کرد شیر قبیله یهودا در آن هنگام مهر مکاشفه خویش را، چنان که در فصل نخست کتاب مکاشفه بیان شده است، می‌گشود. سرخوردگی سبت ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ سه روز و نیم باب یازدهم مکاشفه را آغاز کرد که در سبت ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳ پایان یافت. آن سبت، برای نخستین بار از ژوئیه ۲۰۲۰، فیوچر فور آمریکا در یک نشست زوم به‌طور علنی سخن گفت.

از آن نقطه به بعد، مکاشفه عیسی مسیح به تدریج گشوده شده است. این روند با مکاشفه‌ای درباره واژه «حقیقت» آغاز شد؛ سپس آشکار شد که این واژه نمایانگر چارچوبی سه‌گانه است که به وسیله حروف نخست، سیزدهم و بیست و دوم الفبای عبری ترسیم شده است؛ حروفی که چون کنار هم قرار گیرند، واژه «حقیقت» را می‌سازند. سه گامی که در چارچوب واژه «حقیقت» نمایانده شده بود، همان حقیقتی کهن بود که در بستری نو قرار داده شده بود.

سال‌هاست که نشان داده‌ایم سه گام حیات، قدس و قدس‌الاقداص با سه کار روح‌القدس موازی بوده‌اند: او در حیات، در باره گناه، ملزم می‌سازد؛ در قدس، عدالت را می‌نمایاند؛ و در قدس‌الاقداص، داوری می‌کند. دریافته‌ایم که این سه گام در سراسر کلام خدا متجلی‌اند، اما همه آن دریافت‌ها، از سال ۲۰۲۳ به این سو، در چارچوب «حقیقت» برجسته‌تر و روشن‌تر شده‌اند. نهادن حقیقتی کهن در چارچوبی نو از حقیقت، همان کاری است که مسیح، آنگاه که کلام خویش را به تدریج مهرگشایی می‌کند، انجام می‌دهد. «بیابان» که در سال ۲۰۲۳ پایان یافت، نمایانگر «زمان آخر» نبوی است، هنگامی که نبوتی مهرگشایی می‌شود. آن نبوت، مکاشفه عیسی مسیح است، که او همان «حقیقت» است.

در زمان نجات‌دهنده، یهودیان چنان گوهرهای گران‌بهای حقیقت را با خاشاک سنت و افسانه پوشانده بودند که تمایز دادن راست از ناراست ناممکن شده بود. نجات‌دهنده آمد تا خاشاک خرافه و خطاهای دیرینه عزیزشمرده را برود و گوهرهای کلام خدا را در چارچوب حقیقت جای دهد. اگر نجات‌دهنده اکنون همان‌گونه که نزد یهودیان آمد نزد ما بیاید، چه خواهد کرد؟ او باید کاری مشابه انجام دهد و خاشاک سنت و تشریفات را بزداید. یهودیان هنگامی که او این کار را انجام داد، سخت برآشفته شدند. آنان حقیقت اصیل خدا را از نظر گم کرده بودند، اما مسیح بار دیگر آن را پیش چشم آورد. کار ما این است که حقایق گران‌بهای خدا را از خرافه و خطا برهانیم. چه کاری در انجیل به ما سپرده شده است! *Review and Herald*، ۴ ژوئن ۱۸۸۹.

«وظیفه ما است که حقایق گران‌بهای خدا را از خرافه و خطاهای بخشیم» و «گوهرهای کلام خدا را در چارچوب حقیقت بنشانیم». در سال ۲۰۲۳، خداوند چارچوب حقیقت را، در قالب ساختاری که به وسیله واژه «حقیقت» بازنمایی شده است، معرفی کرد. آن چارچوب حقایق «اصلی» «خدا» را آشکار می‌سازد.

گرد و غبار و خاشاک خطا گوهرهای گران‌بهای حقیقت را به خاک سپرده‌اند، اما خادمان خداوند می‌توانند این گنج‌ها را آشکار سازند تا هزاران تن با شادمانی و حیرت بر آنها نظر افکنند. فرشتگان

خدا در کنار خادم فروتن خواهند بود و فیض و روشنایی الهی عطا خواهند کرد، و هزاران نفر برانگیخته خواهند شد تا با داود چنین دعا کنند: «چشمانم را بگشا تا عجایب شریعتت را ببینم.» حقایقی که طی قرن‌ها نادیده و مورد بی‌اعتنایی بوده‌اند، از صفحات نورانی کلام مقدس خدا شعله‌ور خواهند شد. کلیساها، به طور کلی، که حقیقت را شنیده، رد کرده و آن را پایمال نموده‌اند، شریانه‌تر عمل خواهند کرد؛ اما «خردمندان»، یعنی آنان که صادق‌اند، خواهند فهمید. کتاب گشوده است، و سخنان خدا به دل‌های آنان که خواهان دانستن اراده او هستند می‌رسد. با فریاد بلند آن فرشته آسمانی که به فرشته سوم می‌پیوندد، هزاران نفر از رختی که قرن‌ها جهان را در چنگ خود داشته است بیدار خواهند شد و زیبایی و ارزش حقیقت را خواهند دید. ریویو اند هرال، ۱۵ دسامبر ۱۸۸۵.

"خادمان خداوند" که "خردمندان" و "صادقان" اند، "فهم خواهند کرد" و "گنج‌ها" را "برخواهند گشود"، "تا هزاران تن با بهجت و حیرت بر آن‌ها بنگرند." افسوس که ادونتیسیم لاودکیه‌ای به هنگام "فریاد بلند فرشته سوم" از رخت خود بیدار نمی‌شود، زیرا آن "قانون یکشنبه" است، و آن برای بیدار شدن ادونتیسیم بسی دیر است. "کارگران ساعت یازدهم" از "رخت" خویش "به هنگام فریاد بلند فرشته‌ای که به فرشته سوم می‌پیوندد"، در آستانه "قانون یکشنبه"ی قریب‌الوقوع، بیدار می‌شوند. از سال ۲۰۲۴ بدین‌سو، "حقایقی که در طول اعصار نادیده و مغفول مانده بودند"، "از صفحات منور کلام مقدس خدا" فروزان می‌تابند.

در اشعیا ۲۲:۲۲ به الیاقیم کلیدی داده می‌شود، و در متی ۱۶ به پطرس کلیدهای ملکوت داده می‌شوند.

و کلید خانه داوود را بر دوش او خواهم نهاد؛ پس او می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد؛ و او می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید. اشعیا ۲۲:۲۲

«کلید» به فیلا دلفیه عطا شده است، زیرا آن تنها جای دیگر در کتاب مقدس است که به «کلید گشودن و بستن» اشاره شده است.

و به فرشته کلیسای فیلا دلفیه بنویس؛ این‌ها را آن که قدوس است، آن که راستین است، آن که کلید داود را دارد، آن که می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد، و می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید، می‌گوید: کارهای تو را می‌دانم؛ اینک دری گشوده در برابر تو نهاده‌ام و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را ببندد؛ زیرا اندک قوتی داری و کلام مرا نگاه داشته‌ای و نام مرا انکار نکرده‌ای. مکاشفه ۷:۳، ۸.

در آخرین مواجهه با یهودیان جدل‌پیشه، مسیح پرسشی مطرح کرد که یهودیان نتوانستند به آن پاسخ دهند.

در حالی که فریسیان گرد هم آمده بودند، عیسی از ایشان پرسید و گفت: درباره مسیح چه می‌اندیشید؟ او پسر کیست؟ به او گفتند: پسر داود. به ایشان گفت: پس چگونه داود در روح او را «خداوند» می‌خواند و می‌گوید: «خداوند به خداوند من گفت: بر دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای‌انداز تو سازم»؟ پس اگر داود او را «خداوند» می‌خواند، چگونه پسر اوست؟

و هیچ‌کس نتوانست حتی کلمه‌ای در پاسخ به او بگوید، و از آن روز به بعد نیز هیچ‌کس دیگر جرأت نکرد از او سؤالی بپرسد. متی ۲۲:۴۱-۴۶

یهودیان نتوانستند نسبت نبوی میان داود و مسیح را دریابند، زیرا کلیدهای نبوی فهم زبان کتاب مقدسی «خط بر خط» را در اختیار نداشتند. مسیح مواجهه خود با یهودیان را بدین‌سان پایان داد که علت نابینایی ایشان را ناتوانی‌شان در «تقسیم درست کلام حقیقت» معرفی کرد. او تصریح کرده بود که اگر موسی را می‌فهمیدید، مسیح را نیز درمی‌یافتید، اما آنان کتاب‌های مقدسی را که مدعی

پاسداشت و دفاع از آنها بودند، در نمی‌یافتند.

«کلید خانه داود» به میلی‌ها عطا شد، که ایشان کلیسای فیلادلفیا بودند. آن «کلید» جنبشی اصلاحی بود که با درهای گشوده و بسته نشان داده می‌شد. از ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳، جنبش میلی از تجربه فیلادلفیا به تجربه لاودیکه گذر کرد، در همان حال که از یک جنبش به یک کلیسا تبدیل می‌شد. در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ دری گشوده شد و دری بسته شد، همان‌گونه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دری گشوده شد و دری بسته شد، و نیز در سال ۱۸۶۳ دری گشوده شد و دری بسته شد.

الیاقیم یک کلید داشت، اما به پطرس «کلیدها» داده شد. آن کلید مفرد همان در بسته ۱۸۴۴ بود.

موضوع قدس کلیدی بود که راز نومی‌دی سال ۱۸۴۴ را گشود. این موضوع نظامی کامل از حقیقت را، به هم پیوسته و هماهنگ، آشکار ساخت و نشان داد که دست خدا جنبش عظیم ظهور را هدایت کرده بود و با آشکار ساختن جایگاه و کار قوم او، تکلیف حاضر را نیز آشکار ساخت. مناقشه عظیم، ۴۲۳.

آموزه مقدس‌گاه کلیدی بود که در بسته سال ۱۸۴۴ را گشود، اما به پطرس نیز کلیدهای ملکوت عطا شد.

و عیسی در پاسخ به او گفت: خوشابه‌حال تو، شمعون بن یونا، زیرا این را جسم و خون بر تو مکشوف ساخت، بلکه پدر من که در آسمان است. و من نیز به تو می‌گویم که تو پطرس هستی و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد؛ و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم داد؛ و هر آنچه را بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و هر آنچه را بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. متی ۱۶: ۱۷-۱۹.

خط بر خط، فیلادلفیا، عروس آخرین عهد، به نمایندگی پطرس، کلید خانه داود و نیز کلیدهای ملکوت آسمان را دریافت می‌کند. کلید خانه داود آخرین موضوعی است که عیسی در گفت‌وگو با فریسیان بدان پرداخت.

در حالی که فریسیان گرد هم آمده بودند، عیسی از ایشان پرسید و گفت: درباره مسیح چه می‌اندیشید؟ او پسر کیست؟ به او گفتند: پسر داود. به ایشان گفت: پس چگونه داود در روح او را «خداوند» می‌خواند و می‌گوید: «خداوند به خداوند من گفت: بر دست راست من بنشین تا دشمنان را پای‌انداز تو سازم»؟ پس اگر داود او را «خداوند» می‌خواند، چگونه پسر اوست؟ و هیچ‌کس نتوانست حتی کلمه‌ای در پاسخ به او بگوید، و از آن روز به بعد نیز هیچ‌کس دیگر جرأت نکرد از او سؤالی بپرسد. متی ۲۲: ۴۱-۴۶

موضوع داود و خداوند او دقیقاً همان‌جاست که پطرس در عید پنتیکاست، در بالاخانه، در ساعت سوم، آغاز می‌کند. همان موضوعی که در گفت‌وگو میان فریسیان و مسیح را بست، کلیدی است که پطرس برای گشودن در بالاخانه در عید پنتیکاست به کار برد.

زیرا داود به آسمان‌ها عروج نکرده است، اما خود می‌گوید: «خداوند به سرور من گفت: بر دست راست من بنشین، تا دشمنان را زیرپایی تو سازم.» پس جمیع خاندان اسرائیل یقین بدانند که خدا همان عیسی را که شما مصلوب کردید، هم خداوند و هم مسیح قرار داده است.

و چون این را شنیدند، دل‌هایشان به درد آمد و به پطرس و سایر رسولان گفتند: ای مردان برادر، چه باید بکنیم؟

آنگاه پطرس به آنان گفت: توبه کنید، و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید یابد، و عطیه روح القدس را دریافت خواهید کرد. زیرا این وعده برای شما و فرزندان شما و برای همه آنان است که دورند، یعنی هر که را خداوند خدای ما بخواند. و با سخنان بسیار دیگر شهادت داد و اندرز داد و گفت: خویشان را از این نسل کچرو نجات دهید. آنگاه آنان که کلام او را با شادی پذیرفتند، تعمید یافتند؛ و همان روز، حدود سه هزار جان به آنان افزوده شد. اعمال رسولان ۲:۳۴-۴۱.

پطرس کلیدهای بستن و گشودن را در اختیار داشت، و هرگاه چنین می کرد، آسمان اقدام او را تأیید می کرد. پطرس نماینده همکارى الوهیت و انسانیت در گشودن مهر حقایق کلام خداست. هنگامی که آن حقایق از مهر بیرون می آیند، به صورت معرفت جلوه می کنند.

در روزگار مسیح، کلید معرفت را کسانی از میان برداشته بودند که می بایست آن را نگاه می داشتند تا خزانه حکمت مندرج در کتب عهد عتیق را بگشایند. ربیان و آموزگاران عملاً در ملکوت آسمان را بر فقیران و رنج دیدگان بسته و آنان را واگذاشته بودند تا هلاک شوند. مسیح در گفتارهای خود، مطالب بسیار را یکباره پیش رویشان نمی نهاد تا مبادا ذهنشان دچار آشفتگی شود. او هر نکته ای را روشن و مشخص بیان می کرد. اگر تکرار حقایق کهن و آشنا در پیشگویی ها در خدمت هدفش برای القای اندیشه ها بود، از آن ابا نداشت.

مسیح سرچشمه همه گوهرهای کهن حقیقت بود. به واسطه کار دشمن، این حقایق از جای خود جابه جا شده بودند؛ از جایگاه حقیقی خویش گسسته و در چارچوب خطا جای داده شده بودند. کار مسیح این بود که این گوهرهای گران بها را بازسامان دهد و در چارچوب حقیقت استوار سازد. اصول حقیقتی که خود او برای برکت جهان عطا کرده بود، به واسطه دخالت شیطان مدفون شده و ظاهراً از میان رفته بودند. مسیح آنها را از خاکروبه خطا بیرون کشید، به آنها نیروی نو و حیاتی بخشید، و فرمان داد که چون جواهرات گران بها بدرخشند و تا ابد پایدار بمانند.

خود مسیح می توانست هر یک از این حقایق کهن را بی آنکه کوچکترین ذره ای وام بگیرد به کار گیرد، زیرا او همه آنها را پدید آورده بود. او آنها را در ذهن ها و اندیشه های هر نسل افکنده بود، و هنگامی که به جهان ما آمد، حقایقی را که به مردگی گراییده بودند دوباره سامان داد و به آنها جان تازه بخشید، و برای منفعت نسل های آینده آنها را نافذتر ساخت. این عیسی مسیح بود که قدرت رهانیدن حقایق از زیر خاکروبه را داشت و بار دیگر آنها را با طراوت و قدرتی بیش از حالت نخستین شان به جهان عرضه کرد. انتشار دست نوشته ها، جلد ۱۳، ۲۴۰، ۲۴۱.

کلیدهای پطرس برای بستن و گشودن بودند، و پطرس نمایانگر آخرین عروس مسیحی است که همان یکصد و چهل و چهار هزار نفر هستند. پیام بستن پطرس، که در شهادت یکصد و چهل و چهار هزار نفر متجلی است، همان مهرگذاری است. پیام گشودن پطرس در شهادت یکصد و چهل و چهار هزار نفر، اسلام وای سوم است.

آنگاه فرشته سوم را دیدم. فرشته همراهم گفت: «کار او هراس انگیز است. مأموریتش دهشتناک است. او آن فرشته ای است که باید گندم را از زوان جدا کند و گندم را برای انبار غله آسمانی مهر کند، یا ببندد. این امور باید سراسر ذهن و سراسر توجه را به خود مشغول سازند.» نوشته های اولیه، ۱۱۹.

گندم هایی که بسته می شوند، به وسیله قربانی نخستینه گندم پنطیکاست نمایانده می شوند؛ قربانی ای که، چون هدیه تکان دانی، نمایانگر برافراشتن علم یکصد و چهل و چهار هزار خواهد بود. مهر نهادن بر قوم خدا، پیام درونی پطرس است، که در تاریخ اسلام وای سوم، که از ۱۱ سپتامبر به بعد به تدریج آزاد می شود، رخ می دهد.

و پس از اینها دیدم که چهار فرشته بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را نگه می‌داشتند تا مبادا بادی بر زمین یا بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. و فرشته دیگری دیدم که از مشرق بالا می‌آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و با آواز بلند به آن چهار فرشته‌ای که به آنان داده شده بود به زمین و دریا آسیب برسانند، ندا داد و گفت: «نه به زمین و نه به دریا و نه به درختان آسیب نرسانید تا زمانی که بندگان خدای خود را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم.» مکاشفه ۱: ۷-۳

آن چهار بادی که در زمان بسته شدن قوم خدا مهار می‌شوند، در ۱۱ سپتامبر رها شدند و سپس به دست جورج بوش پسر دوباره مهار گشتند. پیام بیرونی پطرس اسلام است، و رهاسازی و مهار اسلام همان پیام بیرونی است که در سراسر زمان مهرکردن جریان دارد. انسانیت پطرس با الوهیت پیوند دارد، زیرا کلیدهایی که به او عطا شد، نمایانگر توافق میان آسمان و زمین‌اند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

ظلمت شریر کسانی را که از دعا غفلت می‌ورزند احاطه می‌کند. وسوسه‌های نجاگونه دشمن آنان را به گناه می‌کشاند؛ و همه از آن روست که از امتیازاتی که خدا در نهاد الهی دعا بدیشان عطا کرده است بهره نمی‌برند. چرا پسران و دختران خدا از دعا کردن اکراه داشته باشند، حال آنکه دعا کلیدی است در دست ایمان برای گشودن خزانه آسمان، جایی که ذخایر بی‌کران قادر مطلق اندوخته شده است؟ بی‌دعای بی‌وقفه و مراقبت مجذانه، در معرض آن‌ایم که سهل‌انگار شویم از راه راست منحرف گردیم. خصم پیوسته می‌کوشد راه به کرسی رحمت را مسدود سازد، تا مبادا با تضرع جدانه و ایمان، فیض و قوتی برای مقاومت در برابر وسوسه به دست آوریم.

برای آنکه انتظار داشته باشیم خدا دعای ما را بشنود و پاسخ دهد، شرایط معینی وجود دارد. یکی از نخستین این شرایط آن است که نیاز خود به یاری او را احساس کنیم. او وعده داده است: «بر تشنه آب خواهیم ریخت، و بر زمین خشک سیلاب‌ها.» اشعیا ۴۴:۳. آنان که برای عدالت گرسنه و تشنه‌اند و مشتاق خدا هستند، می‌توانند یقین داشته باشند که سیر خواهند شد. دل باید به تأثیر روح گشوده باشد، وگرنه برکت خدا دریافت نمی‌شود.

نیاز عظیم ما خود جتنی است و به رساترین وجه از جانب ما دادخواهی می‌کند. اما باید خداوند را بجوییم تا این امور را برای ما به انجام رساند. او می‌گوید: «بخواید، به شما داده خواهد شد.» و «او که از پسر خویش دریغ نرزید، بلکه او را برای همه ما تسلیم نمود، چگونه با او همه چیز را نیز به رایگان به ما نخواهد بخشید؟» متی ۷:۷؛ رومیان ۸:۳۲.

اگر گناه را در دل‌های خود منظور داریم، اگر به هر گناه شناخته‌ای دلبستگی ورزیم، خداوند ما را نخواهد شنید؛ اما دعای نفس توبه‌کار و منسحق همواره پذیرفته می‌شود. هنگامی که همه خطاهای شناخته جبران و اصلاح شوند، می‌توانیم باور کنیم که خداوند به درخواست‌های ما پاسخ خواهد داد. شایستگی خویش هرگز ما را مشمول لطف خداوند نخواهد کرد؛ این شایستگی عیسی است که ما را نجات خواهد داد، و خون اوست که ما را تطهیر خواهد کرد؛ با این همه، در برآوردن شرایط قبولیت، وظیفه‌ای بر عهده ماست.

عنصر دیگری از دعای مؤثر ایمان است. «هر که نزد خدا می‌آید، باید ایمان داشته باشد که او هست، و اینکه او پاداش‌دهنده کسانی است که به جد او را می‌جویند.» عبرانیان ۱۱:۶. عیسی به شاگردان خود فرمود: «هر آنچه را می‌خواهید، وقتی دعا می‌کنید، ایمان داشته باشید که آن‌ها را دریافت می‌کنید، و از آن شما خواهند شد.» مرقس ۱۱:۲۴. آیا به کلام او اعتماد می‌کنیم؟ گام‌هایی به سوی مسیح، ۹۴-۹۶.

اینجا درسی است برای جوانانی که مدعی‌اند خادمان خدا هستند و حامل پیام اویند، و در نظر خویش خود را برکشیده می‌پندارند. آنان در تجربه خود هیچ امر شگرفی را—چنان‌که ایلیا

می‌توانست—سراغ ندارند، و با این همه، خود را برتر از انجام وظایفی می‌شمارند که در نظرشان دون‌پایه می‌نماید. از مرتبت خدمت الهی خویش فرود نمی‌آیند تا خدمت لازم را به‌جا آورند، مبادا که کار یک خدمتکار را انجام دهند. همه چنین کسان باید از الگوی ایلیا بیاموزند. کلام او خزائن آسمان، یعنی شب‌نم و باران، را سه سال از زمین بازداشت. تنها کلام او کلید گشودن آسمان و فروفرستادن رگبارهای باران بود. او از جانب خدا گرامی داشته شد آنگاه که دعای ساده خود را در حضور پادشاه و هزاران تن از اسرائیل تقدیم کرد؛ و در پاسخ آن، آتشی از آسمان فرود آمد و آتش مذبح قربانی را برافروخت. دست او داوری خدا را به اجرا گذاشت، چون هشتصد و پنجاه کاهن بعل را کشت؛ و با این همه، پس از رنج فرساینده و پیروزی نمایان آن روز، همان که می‌توانست ابر و باران و آتش را از آسمان بیاورد، آماده بود خدمت یک خدمتکار را بر عهده گیرد و در تاریکی و در باد و باران، پیشاپیش اربه آخاب بدود تا به خدمت آن پادشاهی برخیزد که ایلیا از تویخ رو در رو او به سبب گناهان و جنایاتش نهراسیده بود. پادشاه به درون دروازه‌ها گذشت. ایلیا خود را در ردا پیچید و بر خاک برهنه آرمید.